

شنبه‌های چالشی صبا؛ تریبونی آزاد برای اهالی فرهنگ و هنر

چه خلاءهایی

در حکمرانی فرهنگی

وجود دارد؟

پگاه زارعی
گفت و گو

حوزه فرهنگ در ایران، گسترده و فراگیر است. مواردی چون وضعیت اعتقادی جامعه، سبک زندگی جامعه، وضعیت اخلاقی جامعه، سطوح مختلف آموزش و پژوهش، فضای مجازی، رسانه‌های دیداری و شنیداری، جرایم، نشریات و کتاب‌ها، حوزه هنر و گردشگری و... گواهی بر گستردگی این حوزه و بالطبع اهمیت و تاثیر گذاری آن است. این گستردگی به تعدد نهادهای فرهنگی و فعالیت موازی و در نهایت، مدیریت جزیره‌ای حوزه فرهنگ منجر شده است. تعدد مراجع تصمیم‌گیر و نهادهای سیاستگذار فرهنگی و فقدان الگوی جامع و مدون برای سیاستگذاری در بخش فرهنگ، چالش‌های فراوانی را در این حوزه ایجاد کرده است. نظام اجتماعی به عنوان یک سیستم تلقی می‌شود و هر کدام از نهادها به منزله اجزای آن سیستم در یک مجموعه به هم پیوسته، در ارتباط با هم قرار گرفته‌اند. حال، اگر در سیستم اجتماعی، دولت را به عنوان یک سازمان بزرگ در نظر بگیریم، درون آن، سازمان‌های متعددی وجود دارد که در بیشتر مواقع ممکن است این سازمان‌های دولتی نمایانگر بی‌انسجامی یا تقابل بین اجزای این سازمان باشند که ناشی از فقدان مرجعیت واحد یا مورد اجماع باشد. مثلاً، میان مرجعیت فرهنگی وزارت فرهنگ با مرجعیتی چون سازمان تبلیغات اسلامی، رابطه نظام مندی وجود ندارد. در این راستا در اواخر سال ۱۳۹۹ جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طرح مدیریت متمرکز فرهنگی را ارائه کردند. طرح مذکور و زمینه‌های طرح این موضوع، مزایا و معایب طرح و پیامدهای آن بر حکمرانی فرهنگی کشور، از جمله موضوعاتی است که ضرورت دارد از منظری کارشناسی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به انتخابات ریاست جمهوری که روز گذشته برگزار شد؛ خبرنگار صبا با موضوع مدیریت کلان و تاثیر دولت و رییس دولت بر حکمرانی فرهنگی در چالش این هفته به سراغ اهالی فرهنگ و هنر و صاحب نظران در این عرصه رفته و درباره خلاءهای موجود در این موضوع مهم به گفت و گو نشست است که در ادامه می‌خوانید.

همه باید دانش محور شویم، البته در دولت سیزدهم تا حدودی اتفاق افتاد اما به ایده‌آل نرسید و باید به محتوا توجه کرد و در رشته مرتبط تحصیل و محتوای تخصصی تولید کرد.

علیرضا مرادی پژوهشگر و جامعه‌شناس:

قواعد هنر را اجتماع فرهنگی تعریف می‌کند، نه کارگزار!

به نظر می‌رسد که یکی از مشکلات اساسی در حوزه فرهنگ این بوده که تصمیم گرفته شد با فرهنگ مانند یک ماده قابل شکل دادن، یا چیزی همچون خمیر بازی برخورد شود. در حالی که یک ویژگی فرهنگ مربوط به سیال بودن آن است. فرهنگ مانند روحی است که بدن آن را نهادهای مختلف اجتماعی تشکیل می‌دهند. فرهنگ در اختیار هیچکس نیست. شاخص‌های مداخله‌گر متعددی بر روندهای فرهنگی تاثیر گذارند. بنابراین روندهای فرهنگی در کوتاه مدت قابلیت شکل دهی و ریخته‌گری ندارد. در کشور ما سال‌هاست که تلاش بر این بوده تا فرهنگ را مهندسی کنند. حال آن که فرهنگ مهندسی بردار نیست! نه سینما، نه شعر، نه رمان و نه نقاشی را نمی‌توان «بفرموده» و دستوری سمت و سو داد. به عبارتی حوزه ارزش‌ها، زیبایی‌ها، رجحان‌ها، نگرش‌ها، باورها به سادگی تن به سیاست‌های فرهنگی نمی‌دهند زیرا برآیندهای و فرایندهای تاریخی هستند که در آن میدان‌های مختلف سیاست، اقتصاد و اجتماع در چرخه‌های دوسویه بر هم تاثیر داشته و فرهنگ برآیند اینهاست. از این رو، خیال خامی خواهد بود اگر پنداشته شود که برای هر یک از عرصه‌های هنری یا عناصر فرهنگی یک مدیر گمارده شود تا با انجام برخی تحرکات یا اقدام‌ها، زمام هنر و فرهنگ در دست گرفته شود. ماهیت فرهنگ طوری است که نمی‌توان آن را مثل موم زیر دست مدیر فرهنگی یا مسئول فرهنگ به هر شکلی که خواست در آورد. البته می‌توان هنر یا فرهنگ دولت پسند تولید کرد. می‌توان هنرمند باب طبع مدیران فرهنگی را معرفی کرد و گاه بر صدر نشان داد اما تولیدات مدیران فرهنگی در میدان فرهنگ

شاهد حضور فعال بخش خصوصی باشیم و از فضای مجازی به عنوان یک فرصت، نهایت استفاده را ببریم.

صالح دلدم تهیه‌کننده و کارگردان:

مشکل محتوا، اساسی‌ترین خلا در حکمرانی فرهنگی است

بزرگترین مشکلی که در حکمرانی فرهنگی تا پیش از دولت سیزدهم داشتیم که در این دولت نیز مقداری از آن برطرف شد، اقتصاد فرهنگ و هنر بود. اگر هم بخواهیم اقتصاد پویاتر شود و فعالان این حوزه در آمدی بهتر کسب کنند، نیاز به قانون کپی رایب داریم. متأسفانه به علت فقدان این قانون به جای اینکه درآمد محصولات فرهنگی به جیب تهیه‌کننده برود، شاهد این هستیم که درآمدها به جیب قاچاقیان محصولات فرهنگی می‌رود؛ چه در حوزه سینما و شبکه نمایش خانگی، چه در حوزه کتاب و...

مورد دیگری که در بخش فرهنگ داریم این است که محصولات فرهنگی ما راهی به بازارهای جهانی ندارند. به طور مثال در سینما فیلم‌هایی می‌سازیم که زبان جهانی ندارد و نمی‌تواند با مخاطب بین‌المللی ارتباط بگیرد و درآمدزایی کند، البته در حوزه کتاب، موسیقی و هنرهای دیگر نیز با همین معضل روبرو هستیم. موضوع دیگر نیز به خاطر همین که فیلم خارجی در ایران اکران نمی‌شود، فیلمسازان نیز خودشان را ملزم به ساخت فیلمی نمی‌کنند که کیفیت آن با فیلم نمونه خارجی رقابت کند و با وجود این معضل مردم هم بی بهره می‌مانند که آثار روز را ببینند و سینمادار نیز نمی‌تواند کسب درآمد کند.

در تئاتر نیز کیفیت آثار نمایشی پایین آمده است چرا که نمایشنامه‌های قوی در ایران نداریم و نمونه‌های خارجی هم با مخاطب ایرانی ارتباط خوبی برقرار نمی‌کند و آنقدر کیفیت پایین است که مخاطب از هزینه‌ای که کرده است، پشیمان می‌شود. ما به صورت جدی مشکلی اساسی در محتوای فرهنگی و هنری داریم که اول از

انسپه خزعلی معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری:

به آموزش و گفتمان بیشتری نیاز داریم

در سینما، تئاتر، حوزه نشر، رادیو و تلویزیون و... باید همه نیازهای جوان و نوجوان را به زبان هنر به زبانی که بتواند با آن ارتباط برقرار کند و آن را درک و دریافت کند، پیش برویم و متأسفانه در این بخش ضعف داریم. ما خلاءها را در بخش‌های مختلف اخلاقی، سبک زندگی و نوع نگاه حال، نگاه نوجوان نسبت به خانواده و یا نگاه خانواده به فرزند و آن شکافی که بین نسل‌ها به دلیل عدم تفاهم و عدم نگاه واحد و عدم برداشت واحد از مسائل مختلف وجود دارد و این روزها بیشتر می‌شود باید بررسی کنیم و نیاز داریم گفت‌وگو را بیشتر کنیم و تفاهم و صحبت کردن را بیشتر کنیم.

نوع جهان بینی را نسبت به آنچه در اطرافمان اتفاق می‌افتد، تقویت کنیم و این نیاز به آموزش و مهارت دارد و هم اینکه در فضای مجازی باشیم و در آن غرق نشویم.

سعید مقیسه رییس ساترا:

حاکمیت باید از بخش خصوصی بیشترین استفاده را ببرد

این سوال، سوال کلی است ولی موضوع تنظیم گری برای کشور یک فرصت است و اینکه حاکمیت و نهادهایی که مأموریتی از سوی قانون به آن‌ها سپرده شده بتوانند از مشارکت بخش خصوصی، بیشترین استفاده را کنند و بیشترین اختیار را تفویض بکنند و ایجاد نهادهای موفق قطعا در تنظیم گری است و این مجامع حضور بخش خصوصی را در تنظیم گری و مشارکتی تقویت می‌کنند. هر چه ما بیشتر بتوانیم با خود ذی نفعان صنعت هماهنگ باشیم، اجرای مقررات و تصمیماتی گرفته می‌شود بهتر و دارای ضمانت اجرایی بیشتری خواهد بود. امیدواریم که یک زمانی از فرصتی که تنظیم گران ایجاد می‌کنند، بشود در بخش‌های مختلف فرهنگی مخصوصاً رسانه‌ها استفاده و